

نقد ایراد

در نقد ادبی فارسی

(مجموعه مقاله)

	بهمن بازرگانی	انرگس باقری	او رتضی پور حاجی		
	زیبا خادم حقیقت	مهدی دادخواه تهرانی	انغمه دادور		
	شهلا زرلکی	اعنایت سمیعی	اسحر صدیق	نبیب الله عباسی	
	رضا فرخفال	شهره معرفت	احامده احمد		
دبیر مجموعه: مهدی دادخواه تهرانی

شماره: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۱۹۸-۳-۲

فهرست

۷۱ ||| در آمد، مهدی ادخوا، تهرانی |

درباره‌ی نقد

۱۲۱ ||| لذت یافتن و نیافتن | با یک | حریف شخصی برای نقد خلاق | شهلا
زرلکی |

مواجهه

۲۴۱ ||| آن دیگر نانیمایی | انارسانی مفهوم فرم و بحران در | چرا | دیگر شاعر
نیمایی نیستم | مهدی دادخواه تهرانی |
۱۰۱ ||| نعشه الموت | درباره‌ی الفبای هانری میثوبه برگردان | حسن اله
حامد هاتف |

نقد نظریه

۶۲۱ ||| دو تعبیر متفاوت در دو پارادایم فرهنگی | نقد نظریه ذهن | دو جایگاهی
جولین جینز | بهمن بازرگانی |

گفت‌وگو

۸۰۱ ||| چالش‌های ناپیوسته | گفتگویی درباره‌ی کلاسیک‌ها و مدرن‌های زبان
فارسی | مرتضی پورحاجی / عنایت سمیعی |

جامعه‌ی نمایش

||| تاثیر زندگی درونی، حلقه‌ی فراموش شده‌ی تاثیر ایران از بیبا خادم
حقیقت | ۱۰۰ |

نقش و تصویر

||| مرگ نقاشی مرده است | سحر صمدیان | ۱۱۸ |

درباره‌ی خط

||| خط، تنگی زبان | رضا فرخفال | ۱۳۲ |

تاریخ

||| تاریخ متن ادبی | در قالب کتاب‌شناسی تفسیری، با بهره‌مندی
از نظریه‌ی رای‌شناسی دریافت | نغمه دادور | ۱۴۸ |

ادبیات تطبیع

||| بررسی تطبیقی سبک در نثر | این نمونه‌های داستان کوتاه فارسی و
عربی | حبیب الله عباسی | شهره معفت | ۱۶۸ |
||| منطق کلاغ | بررسی تطبیعی | مجید | شعر کلاغ | تد هیوز | و منطق الطیر
عطار | نرگس باقری | ۲۰۴ |

درآمد

از منظر انواع ادبی، ادبیات حاصل تجربه یک نوع یا یک جنبه یا یک زاویه‌ی دید نیست. انواع ادبی چون گونه‌های گیاهی و حیوانی، حیات متنوعی دارند که حاصل دم‌ها و آفات متنوع اهل ادبیات و فرهنگ و تنوع فرهنگی و اجتماعی در جوامع مختلف است. نوع ادبی لحظه‌ی بازگویی است که خواننده را به مسیر تازه‌ای می‌کشاند. مسیر تازه یعنی جست‌وجوی حیرت‌انگیز و سلوک انسان در آفات و بازتاب آن در زندگی در یک قالب یا فرم ادبی. جامعه، حیات و انسان است و انواع ادبی نیز نشانه‌ی حضور انواع انسان خواننده. انواع ادبی، کسب‌وکار وسیع‌تر نگاه کنیم، انواع هنر، لحظات مبارک هر فرهنگ و جامعه و ادبیاتی است. از یک نظر نقد ادبی وقتی به وجود می‌آید که یکی از مصادیق نوع ادبی در جامعه ادبی به وجود آمده باشد. جامعه‌ی انواع ادبی نوع عینی ادبی‌ای را به جامعه‌ی خوانندگان می‌رساند و اثر خواننده می‌شود. نقد ادبی در این مرحله خواندن و عمیق خواندن به وجود می‌آید. نقد ادبی چیزی نیست جز فرایند خواندن و نوشتن و بازنویسی و گزاردن حق (و ناحق؟) یک اثر ادبی چه به وجه سلبی و چه به وجه ایجابی.

اثر ادبی در این گفت‌وگوها شکل می‌گیرد و نقد ادبی نیز پیرو اثر ادبی عرصه‌ی گفت‌وگوهاست. نقد ادبی به سبب نزدیکی‌ای که با جریان نظریه‌ی ادبی دارد، از

طرفی در ساحت نظریه مستقر است و از طرفی به آینده‌ی متن ادبی پرتاب شده است. هر نمونه نقد ادبی در خود همزمان، هم چالش نظری دارد و هم چالش کاربردی. نقد ادبی نیاز به توجه به منشأهای خود و بازگشت به تاریخ خود و گفت‌وگو با خود دارد؛ یک دورخیز و آمادگی از طریق یادآوری سرگذشت خود و حرکت به سمت یک افق تازه. روزگاری نه چندان دور در ایران و درست یک دهه پس از انقلاب مشروطه و در سپیده‌دمان نوشتن شعر فارسی، بحث میان تقی رفعت و اصحاب مجله «دانشکده» و «جرگه دانشوری» در گرفت که در تاریخ ادبی ما که مانند والته ماندگار است؛ یک لحظه‌ی تاریخی که، هم پرسشی در برابر سپهر تاریخ عمومی ما می‌گذارد و هم در افق نوع ادبی به یک انتخاب دوران‌ساز و مدرن توجه می‌کند. گفت‌وگو و دعوای مجله «دانشکده» و «تجدد» به سرکردگی بهار و رفعت، بی‌سوال و بدل و پرسش و گفت‌وگوی درونی و بیرونی و بیرونی و درونی و دعوای تجدید و... ها؛ دعوای دانشکده و تجدید؛ دعوای استعاره‌ها و کنایه‌ها و خطابه‌ها؛ دعوای نقش‌ها و مسیرها و عمارت‌ها؛ دعوای دو تلقی از ادبیات فرانسه و تاریخ ادبیات و نسبت آن به تاریخ ادبی ایران؛ در آستانه‌ی تجدید؛ دعوای دوره‌بندی تاریخی...؛ جدل شورشیان جوان با... در ادبیات جوان دانشکده و اعضای سابق «جرگه دانشوری»؛ لحظه‌ی ماندگار تاریخ ادبیات جدید فارسی. آیا با وجود چنین فضای گشوده‌ای در آن ایام، در سال‌های بعد، نقد ادبی ما چنین تجربه‌ای را تکرار کرده است؟

اگر «حیات» و فضای ادبی-هنری و نیز فضاهای انتقادی و وجود نیاید، نوشتار انتقادی به لحظه‌ی خلق و تأثیر بنیادی در آفریدن دقیقه‌ای ماندگار در تاریخ ادبیات نخواهد رسید. حیات و فضای انتقادی‌ای را که لازمه پرورش و بارور شدن انواع ادبی و نقد ادبی است، گفت‌وگو و ارتباط به وجود می‌آورد؛ نوعی گشودگی چهره‌ها؛ این جا مجال کنش «آدم‌های متن خواننده» و جهان‌های خواندن آنهاست؛ جهان استعاره‌ها و دریافت‌ها؛ این که هنر و جامعه و ادبیات و نوشتار انتقادی را چگونه می‌بینیم و دریافت هر کدام از آن چیست. آیا آن جدل تاریخی ملک الشعرای بهار و تقی رفعت به لحظه‌ای دور از دست و تکرارناپذیر در تاریخ ادبیات ما تبدیل شده

است؟ آیا چنان لحظه‌ی تکرارناپذیری است چون لحظه‌های تکرارناپذیرِ روایی در چهار مقاله‌ی نظامی عروضی سمرقندی؟

اما هدف و ضرورت جمع‌آوری مقالات و مطالب در کتابی به اسم نقد ایراد چیست؟ حقیقت این است که این گزینش و جمع‌آوری، بذل توجه به صداها، متن‌ها، نقد ادبی و خوانش‌های انتقادی را در پی دارد و از رهگذر این همگرایی و هم‌زایی است که می‌توان زمینه‌ی گفت‌وگو در عرصه‌ی نقد ادبی را فراهم کرد؛ جایی که متون انتقادی و نویسندگان آن‌ها با هم و نیز با اثر ادبی - هنری گفت‌وگو می‌کنند. گزیده از آن، کتاب نقد ایراد فرصتی است برای طرح نظریه‌ها، الگوها و طرح‌ها، انتقادات، ایده‌پردازی و نظریه‌پردازی؛ جایی برای اندیشیدن به مهم‌ترین مسائل ادبی، ادبیات کهن و کنون؛ مسائلی چون وضعیت نقد ادبی در ایران، مسئله‌ی شعر فارسی، مسائل فارسی، رابطه‌ی تاریخ‌نگاری ادبی و نقد ادبی، نسبت ادبیات با حوزه‌های معرفتی دیگر و ...

موضوع دیگری که کتاب نقد ایراد در نظر داشته است کم کردن فاصله‌ی میان عرصه‌ی پژوهش (پژوهش آکادمیک و ...) و عرصه‌ی تنیلات نظری است؛ جایی که دیگر نویسندگان چون پژوهشگر لزوماً متکی به ایده‌های دهان‌داده و روش‌شناسی کارآمد و دقیق و ظرایف تحقیقی نیست، بلکه ذهن و تخیل، آزادانه به سمت نظر ورزیدن می‌رود و از طریق ترکیب و ابداع، نوشتاری پدید می‌آورد که خلقت است. نقد ایراد این گفت‌وگو را در نظر دارد؛ این که فرم‌های نوشتار در سرزمین نقد ادبی به گفت‌وگو بنشینند و از دستاوردها و نکات مثبت یکدیگر بهره‌گیرند. از این رهگذر می‌توان مناسبات تازه‌ای میان ادبیات و اندیشه، ادبیات و فرهنگ، ادبیات و فلسفه، ادبیات و عرصه‌ی نظر برقرار کرد و نظریه‌ها و مسائل مختلف ادبی - هنری را در موضوع توجه و بحث و فحص و جست‌وجو قرار داد.

به این معنا «نقد ایراد» که به سنت انتقادی فارسی توجهی ویژه دارد، و هم‌زمان به شکل‌ها و صورت‌های نوشتار انتقادی می‌اندیشد، یک گفت‌وگوی طولانی

است میان حوزه‌ی نقد ادبی و (رویکردهای درونی آن)، نقد انواع هنری، نقد فلسفی، نظریه‌ی ادبی، انواع ادبی، ترجمه و ادبیات تطبیقی... این گفت‌وگو هر جا که شکل بگیرد، معنای حیات است و فضای گشوده‌ی رشد نقد ادبی و انواع دیگر نقد. باشد تا حضور منتقدان و انواع نقد در «نقد ایراد» گفت‌وگویی را شکل دهد، آن گونه که گذشته از شکوفایی و به گل نشستن نقد ادبی در ایران، رشد انواع ادبی‌ای چون شعر و رمان و نمایشنامه و... را به چشم بینیم و تاریخ ادبیات فارسی را از رنگی دیگر طرحی در اندازیم.

م.د.ت